

بیانیه گروه علوم پایه فرهنگستان علوم

توسعه علمی نتیجه‌ای از توسعه علم و توسعه علم در گرو توجه به دانشگاه‌هاست

برنامه‌ریزی‌های توسعه کلان در جوامع امروزی بر پایه نهادهای اجتماعی که مجموعه‌ای از نظام‌ها، سیاستها، سازمان‌ها و دستگاه‌ها و روابط بین آنها هستند، مانند نهاد فرهنگ، نهاد اقتصاد، نهاد صنعت و نهاد علم، استوار است. نظام آموزش مدون در دانشگاه و پیش از آن بخشهای مهمی از نهاد علم هستند. البته نقش دانشگاه‌ها در نهاد علم منحصر به نظام آموزش نیست؛ دانشگاه‌ها در نهاد علم نقشی سه گانه ایفا می‌کنند: کسب، انتقال و نشر معارف و علوم بشری، فراهم آوردن بستر لازم برای پیش بردن مرزهای دانش، و ارتقای سطح توانایی‌های ضروری برای افراد جامعه. موارد فوق به ترتیب موید نقش دانشگاه در بعد آموزشی، پژوهشی و مشارکت موثر در حل مسایل مختلف کشور، به ویژه در تدوین و ارایه راهکار و همچنین تولید فناوری‌های نوین و فرهنگ مربوط به آنها، هستند.

با توجه به اهمیت نهاد علم در توسعه کشور و نقشی که دانشگاه‌ها بایستی در نهاد علم در کشور داشته باشند، گروه علوم پایه فرهنگستان علوم بنا به رسالت خود به نکات زیر انداز می‌دهند:

1- برای توسعه کشور نیازمند ارتقای سرمایه انسانی و اجتماعی هستیم. سرمایه اجتماعی عبارت است از شبکه توانمندی‌هایی که در یک جامعه برای بهره‌برداری از سرمایه‌های مادی و انسانی وجود دارد. دانشگاه‌ها مهمترین سازمان کشوری برای افزایش و کمال بخشیدن به سرمایه‌های انسانی و اجتماعی اند. سرمایه‌های انسانی پیش‌رو، جوانان مستعدی هستند که در صورت ورود به رشته‌های علوم پایه می‌توانند در حوزه‌های آموزش، پژوهش و ارایه راه حل برای معضلات کشور و ارتقای فناوری تحول‌آفرین باشند. **عدم استقبال دانش آموزان از علوم پایه و مباحث نظری، یکی از موانع پیشرفت و توسعه علوم پایه، و عدم توسعه علوم پایه چالشی جدی بر توسعه کاربردهای علم و فناوری‌های دانش بنیان است.** نظام آموزش ما در پیش از دانشگاه و در خود دانشگاه‌ها در ایجاد علاقه‌مندی به علوم و به ویژه علوم پایه بسیار ناموفق عمل کرده و نیازمند بازبینی جدی است. نیاز است ره‌وس تحول در علوم پایه و جذب نخبگان در بعد آموزش، در یک برنامه کلان کل‌نگر و همه‌جانبه شامل کلیه مقاطع تحصیلی، اعم از دانشگاهی و پیش از دانشگاه، تدوین و مبنای برنامه‌ریزی سیاست‌گذاران قرار گیرد.

2- انتظارات از دانشگاه و میزان تاثیرگذاری آن باید متناسب با پیشینه دانشگاه و نظام آموزش عالی کشور، واقعیت‌های اجتماعی و به خصوص امکانات و ظرفیت‌های موجود دانشگاه‌ها باشد. در این خصوص یادآوری چند نکته ضروری است:

(آ) دانشگاه بنگاه اقتصادی یا شرکت تجاری نیست و این نکته باید در نگاه برنامه‌ریزان و مدیران ارشد کشور نهادینه و به جد لحاظ شود؛

(ب) افزایش بی‌رویه و بیش از اندازه ظرفیت دانشگاه‌ها و به ویژه در تحصیلات تکمیلی کیفیت این سطوح تحصیلی را فدای کمیت کرده است؛

(پ) نگاه صرفاً کمی به دانشگاه‌ها و خروجی‌های آنها اعم از فارغ‌التحصیلان و مقالات، و سنجش آنها به عنوان بنگاه‌هایی اقتصادی و فعال

تجاری، دانشگاه را از ایفای نقش و وظیفه ذاتی خود که در بالا برشمرده شد باز می‌دارد. این کمی‌نگری تاثیر عمیق‌تری بر پیکره علوم پایه کشور و به تبع آن در میان مدت و بلند مدت بر سایر رشته‌ها، بر جای می‌گذارد.

(ت) نظارت دائمی، مستمر و مؤثر شورای عالی انقلاب فرهنگی و وزارت علوم، تحقیقات و فناوری، به ویژه بر دوره‌های تحصیلات تکمیلی، با رعایت شرایط و ضوابط کیفی تأسیس رشته و ظرفیت پذیرش دانشجو از ضروریات لازم برای ارتقای کیفی دانشگاه‌ها است.

3- یکی از وظایف دانشگاه‌ها مشارکت جدی در پژوهش، یا همان تولید علم، علمی سودمند اما نه الزاماً سودزا، است. تبیین اولویت‌ها و مصادیق علوم سودمند باید بنا به مقتضیات، ظرفیت‌های بالقوه و مزیت‌های نسبی کشور انجام شود. علوم پایه نیز باید جایگاه شایسته را در این برنامه‌ریزی‌ها داشته باشند.

بنابراین، اگر خواهان توسعه پایدار علمی هستیم، باید توسعه علم و دانشگاه را دنبال کنیم، و اگر خواهان توسعه علم هستیم، باید علوم پایه را دریابیم و با سرمایه گذاری بیشتر مادی و معنوی برای کیفی‌سازی آن برنامه‌ریزی کنیم. گروه علوم پایه فرهنگستان علوم آمادگی دارد با همراهی نهادهای ذیربط تدوین خط مشی گسترش علوم بنیادی را که زیر بنای علمی و نظری سایر علوم و فناوری است - در ابعاد آموزش و پژوهش - به انجام رساند.